

بسم الله الرحمن الرحيم

علامه طباطبایی شناسی

مدرسه زینیه سلام الله علیها فارسان

بمناسبت هفته کتاب و پژوهش ۱۳۹۷

در دوران مواجهه با اندیشه‌های غربی نظیر مارکسیسم به اندیشه دینی حیاتی دوباره بخشیده، حتی در نشر آن در مغرب زمین نیز می‌کوشد.

زندگی علامه طباطبایی را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد:

۱. دوره کودکی و نوجوانی که در تبریز سپری شد.
۲. دوره تحصیل در حوزه علمیه نجف
۳. دوره بازگشت به تبریز و اشتغال به کشاورزی
۴. دوره هجرت به قم و تدریس و تألیف و نشر معارف دینی

دوره کودکی و نوجوانی

در سال ۱۲۸۱ در تبریز متولد شد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدر خود را از دست داد. وصی پدر او و تنها برادرش محمدحسن الهی طباطبایی را برای تحصیل به مکتب فرستاد. تحصیلات ابتدایی شامل قرآن و کتب ادبیات فارسی را از ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۶ فراگرفت و سپس از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۴ به تحصیل علوم دینی پرداخت و به تعبیر خود «دروس متن در غیر فلسفه و عرفان» را به پایان رساند.

سید محمد حسین به مدت شش سال (۱۲۹۰ تا ۱۲۹۶ خ) پس از آموزش قرآن که در روش درسی آن روزها قبل از هر چیز تدریس می‌شد آثاری چون گلستان، بوستان و ... را فراگرفت. علاوه بر



سید محمدحسین قاضی طباطبایی تبریزی، معروف به علامه طباطبایی (زاده ۱۲۸۱ خورشیدی در تبریز، درگذشته ۲۴ آبان ۱۳۶۰ در قم) نویسنده تفسیر المیزان، فقیه، فیلسوف، عارف، حکیم و مفسر قرآن شیعه ایرانی است.

اهمیت وی به جهت زنده کردن حکمت و فلسفه و تفسیر در حوزه‌های تشیع بعد از دوره صفویه بوده است. به ویژه اینکه وی به بازگویی و شرح حکمت صدرایی بسنده نکرده، به تأسیس معرفت‌شناسی در این مکتب می‌پردازد. همچنین با انتشار کتب فراوان و تربیت شاگردان برجسته

آموختن ادبیات، زیر نظر میرزا علینقی خطاط به یادگیری فنون خوشنویسی پرداخت. چون تحصیلات ابتدایی نتوانست به ذوق سرشار و علاقه وافر ایشان پاسخ گوید به همین دلیل به مدرسه طالبیه تبریز وارد شد و به فراگیری ادبیات عرب و علوم نقلی و فقه و اصول پرداخت و از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۴ هـ ش مشغول فراگیری دانش‌های مختلف اسلامی شد.

تحصیل در نجف اشرف

او بعد از تحصیل در مدرسه طالبیه تبریز همراه برادرش به نجف می‌رود و ده سال در نجف به تحصیل علوم دینی می‌پردازد. طباطبایی علوم ریاضی را در نجف نزد سید ابوالقاسم موسوی خوانساری نوه سید ابوالقاسم خوانساری (میرکبیر) فراگرفت. او دروس فقه و اصول را نزد استادانی چون محمد حسین نائینی و محمدحسین غروی اصفهانی خواند و مدت درس‌های فقه و اصول ایشان در مجموع ده سال بود.

استاد او در فلسفه حکیم متأله، سید حسین بادکوبه‌ای بود که سالیان دراز در نجف در کنار برادرش سید محمدحسن الهی طباطبایی، نزد او به درس و بحث مشغول بودند.

همچنین معارف الهیه، تفسیر قرآن به قرآن، حکمت و فلسفه، اخلاق و فقه الحدیث را نزد سیدعلی قاضی طباطبایی آموخت و در عرفان تحت نظر و تعلیم و تربیت او رشد یافت. محمود امجد نقل می‌کند که «حال علامه، با شنیدن نام سید علی قاضی دگرگون می‌شد.

بازگشت به تبریز

علامه در مدتی که در نجف مشغول تحصیل بودند به علت تنگی معیشت و نرسیدن مقرری که از ملک زراعیشان در تبریز بدست می‌آمد مجبور به مراجعت به ایران می‌شود و مدت ده سال در قریه شادآباد تبریز به زراعت و کشاورزی مشغول می‌شوند. فرزند ایشان مهندس سید عبدالباقی طباطبائی می‌گوید: خوب به یاد دارم که، پدرم دائماً و در تمام طول سال مشغول فعالیت بود و کار کردن ایشان در فصل سرما در حین ریزش باران و برفهای موسمی در حالی که، چتر به دست گرفته یا پوستین بدوش داشتند امری عادی تلقی می‌گردید، در مدت ده سال بعد از مراجعت علامه از نجف به روستای شادآباد و بدنبال فعالیت‌های مستمر ایشان قنات‌ها لایروبی و باغهای مخروبه تجدید خاک و اصلاح درخت شده و در عین حال چند باغ جدید احداث گردید و یک ساختمان ییلاقی هم در داخل روستا جهت سکونت تابستانی خانواده ساخته شد و در محل زیرزمین خانه حمامی به سبک امروزی بنا نمود. طبقه زیر این اتاق‌ها انبار آب شرب منزل بود که در صورت لزوم بایستی از درب آن به داخل خم شده و ظرف آب شرب را پر کنیم. چون خانه فاقد آشپزخانه بود پخت‌وپز هم در داخل اتاق انجام می‌گرفت - در حالی که مادر ما به دو مطبخ (آشپزخانه) ۲۴ متر مربعی و ۳۵ متر مربعی عادت کرده بود که در میهمانیهای بزرگ از آن‌ها به راحتی استفاده می‌کرد - پدر ما در شهر قم چند آشنای انگشت شمار داشت که یکی از آن‌ها سید محمد حجت کوه‌کمری بود. اولین رفت‌وآمد علامه به منزل آقای حجت بود و کم‌کم با اطرافیان ایشان دوستی برقرار و رفت‌وآمد آغاز شد. علامه طباطبایی در

ابتدای ورودش به قم به قاضی معروف بود، چون از سلسله سادات طباطبایی هم بود، خودش ترجیح داد به طباطبایی معروف شود. با ظاهری ساده، عمامه‌ای کوچک و قبایی از جنس کرباس آبی رنگ و دکمه‌های باز قبا و بدون جوراب با لباس کمتر از معمول، در کوچه‌های قم تردد داشت و در ضمن خانه بسیار محقر و ساده‌ای داشت.

مهاجرت به قم

طباطبایی بعد از مدتی اقامت در تبریز تصمیم می‌گیرد به قم برود و بالاخره تصمیم‌اش را در سال ۱۳۲۵ عملی می‌کند.

تدریس در قم

برطبق نقل دینانی، پس از مدتی که به اصرار برخی علما مجلس درس روزانه^۱ اسفار او تعطیل شد، با اصرار طلاب، تدریس شفا را آغاز نمود. در این میان، وی به تشکیل کلاس‌های شبانه^۲ اسفار پرداخت که هفته‌ای دو شب (شب پنجشنبه و جمعه) و به صورت سیار در خانه^۳ شاگردان تشکیل می‌شد و تعداد معدودی (کمتر از ده تن) شاگرد ثابت در آن شرکت می‌کردند. حضور در این کلاس‌ها بدون اجازه^۴ خود او مقدور نبود. دینانی معتقد است محتوای این کلاس‌ها بیشتر درس خارج فلسفه بود

حلقه فلسفی همراه با هانری کربن

از دیگر اتفاقات حیات فکری علامه در دوره زندگی در قم، آمدن هانری کوربن از فرانسه به ایران و ملاقات با علامه طباطبایی در قم و تهران است.

این ملاقات‌ها که باعث شکل‌گیری حلقه فلسفی مهمی در آن دوران می‌شود، به همت هانری کربن تشکیل شد و بسیاری از فلاسفه بعدی ایران معاصر به همراه کربن در محضر علامه طباطبایی به فلسفه آموزی و مباحث عمیق فلسفی پرداختند. کربن فیلسوفی هایدگری بود که در پی پاسخ‌های بی‌جواب خود، در نهایت سر از ایران درآورده بود تا در حضور علامه طباطبایی به عنوان مفسر فلسفه شیعی، پاسخ‌هایی برای پرسش‌های بی‌جواب خود بیابد. خود کربن اذعان داشت که علامه پاسخ‌های دقیق و قانع‌کننده‌ای به او می‌داده‌است. کربن هنگامی که به ایران آمد، با بسیاری از استادان ایرانی ارتباط برقرار نمود. با این حال علاقه کربن بیشتر در جهت ارتباط با اساتیدی بود که به ادبیات، هنر و فلسفه ایرانی می‌پرداختند و نه افرادی که تحت عنوان «روشنفکر» شناخته می‌شدند و غالباً از میان کسانی بودند که مدتی در غرب به تحصیل پرداخته بودند. در همین دوره کربن به اتفاق علامه طباطبایی، حلقه‌ای فلسفی را در تهران تشکیل دادند. جلسات در منزل احمد ذوالمجد طباطبایی که از وکلای شیفته^۵ فلسفه الهی بود برگزار می‌گردید.

هم کربن و هم علامه بر نقش تأویل در معرفت تأکید داشتند. علامه طباطبایی معتقد بود معنویت حقیقی بدون تأویل غیرممکن است؛ و این افق مشترکی در مقابل آندو فیلسوف قرار می‌داد که بتوانند با یکدیگر به گفتگو بنشینند. جلسات با حضور غالب استادان ایرانی فلسفه و الهیات مدت‌ها در شمال تهران برگزار می‌گردید و بحث‌های پردامنه‌ای در باب فلسفه شیعی در آن

جا درمی‌گرفت. ارتباط با اساتیدی چون علامه و سید جلال الدین آشتیانی، یکی از مهم‌ترین اتفاقات در زندگی کربن بود؛ چرا که او معتقد بود اینان ادامه‌دهندگان همان حکمت الهی‌ای هستند که از ایران باستان تاکنون چراغ آن در ایران خاموش نگشته‌است. از نظر کربن تفکر ایرانی نگرش ملی محدود، همچون یک عالم معنوی است که در آن میهمانان و زایرانی که از نقاط دیگر آمده‌اند مورد پذیرش و پذیرایی قرار گرفته‌اند. کربن عمیقاً اعتقاد داشت که حکمت ایرانی-اسلامی، حکمتی زوال‌ناپذیر است و همواره از «استعداد زوال‌ناپذیر روحیه ایرانی» سخن می‌گفت.

استادان

سید علی قاضی، مهم‌ترین استاد او و مؤثرترین شخص در تربیت روحی وی بود به‌طوری‌که خود او گفته‌است:

«ما هر چه داریم از قاضی داریم.»

مرتضی طالقانی

سید حسین بادکوبه‌ای

سید ابوالقاسم خوانساری (میرصغیر)

محمدحسین غروی اصفهانی

میرزا حسین نائینی

سید محمد حجت کوه‌کمری

تألیفات و آثار

نوشتار اصلی: آثار علامه طباطبایی

علامه طباطبایی دو اثر شاخص دارد، که بیشتر از سایر آثار وی مورد توجه قرار گرفته‌است.

نخست تفسیر المیزان است، که در ۲۰ جلد و طی ۲۰ سال به زبان عربی تألیف شده‌است. در این تفسیر، از روش «تفسیر قرآن به قرآن» استفاده شده‌است، و علاوه بر تفسیر آیات و بحث‌های لغوی در بخش‌هایی جداگانه با توجه به موضوع آیات مباحث روایی، تاریخی، کلامی، فلسفی و اجتماعی نیز دارد. این اثر به دو شکل منتشر شده‌است: نخست در چهار جلد، و سپس، در ۲۰ جلد. این اثر توسط سیدمحمد باقر موسوی همدانی به زبان فارسی ترجمه شده‌است.

اثر مهم دیگر او اصول فلسفه و روش رئالیسم است. این کتاب شامل ۱۴ مقاله فلسفی است، که طی دهه‌های ۲۰ و ۳۰ شمسی تألیف شده و توسط مرتضی مطهری و با رویکرد فلسفه تطبیقی شرح داده شده‌است. این کتاب نخستین، و یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که به بررسی مباحث فلسفی، با توجه به رویکردهای حکمت فلسفی اسلامی و فلسفه جدید غربی پرداخته‌است.

آثار محمدحسین طباطبایی (به استثنای تفسیر المیزان) را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

کتاب‌های به زبان عربی

کتاب توحید که شامل ۳ رساله است:

رساله در توحید

رساله در اسماءالله

رساله در افعال الله

کتاب انسان که شامل ۳ رساله است:

الانسان قبل الدنيا

الانسان في الدنيا

الانسان بعد الدنيا

رساله وسائط كه البته همگی این رساله‌ها در یک مجلد جمع‌آوری شده و به نام هفت رساله معروف است.

رسالة الولاية

رساله النبوة و الامامة

بداية الحكمة

نهاية الحكمة

(این دو کتاب از متون درسی فلسفی حوزه و دانشگاه محسوب می‌شود)

کتاب‌های به زبان فارسی

شیعه در اسلام

قرآن در اسلام (به بحث دربارهٔ مباحث قرآنی از جمله نزول قرآن، آیات محکم و متشابه ناسخ و منسوخ و... پرداخته‌است)

وحی یا شعور مرموز

اسلام و انسان معاصر

حکومت در اسلام

سنن النبی (دربارهٔ سیره و خلق و خوی پیامبر اسلام در بخش‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی ایشان است)

اصول فلسفه و روش رئالیسم (در مورد مبانی فلسفی اسلامی و نیز نقد اصول مکتب ماتریالیسم دیالکتیک است).

علی و فلسفه الهی

خلاصه تعالیم اسلام

رساله در حکومت اسلامی

نسب‌نامه خاندان طباطبایی (اولاد امیر سراج الدین عبدالوهاب)

شرحی کوتاه بر دیگر آثار

بدايه الحكمة

کتابی که یک دوره تدریس فشرده فلسفه برای دوستداران علوم عقلی در قم و سپس دانشگاه‌های کشور شد.

نهايه الحكمة

این اثر برای تدریس فلسفه با توضیحی بیشتر، عمقی افزون‌تر و سطحی عالی‌تر تدوین شده‌است.

حاشیه بر کفایه

کتابی اصولی پیرامون قوانین استنباط است.

مجموعهٔ مذاکرات با پروفسور هانری کربن

او که محقق فرانسوی است پیرامون چگونگی شیعه و مباحث اعتقادی و... مذاکراتی با وی داشته که در این کتاب وجود دارد.

رساله انسان قبل از دنیا، در دنیا و بعد از دنیا

این کتاب که اکنون با نام «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده است مباحثی مفید از عوالم سه‌گانه ماده، مثال و عقل مطرح کرده و پیرامون شبهات و دغدغه‌های جوانان مطالبی بسیار مفید و لازم ارائه کرده است.

در محضر علامه طباطبائی

این کتاب توسط محمد حسین رخشاد نوشته شده است و شامل پرسش‌ها و پاسخ‌های زیادی در موضوعات مختلف از علامه است.

شیعه در اسلام

علامه این کتاب را برای معرفی عقاید شیعه به‌طور عقلانی نوشته است.

ولایت‌نامه

این یک رساله عرفانی از وی است که همایون همتی آن را ترجمه کرده است و انتشارات روایت فتح آن را منتشر کرده است.

شاگردان

قابل توجه است بخش بزرگی از رهبران روحانی انقلاب ایران شاگردان مشترک سید محمد حسین طباطبائی و روح‌الله خمینی هستند. علامه شاگردان زیادی تربیت کرد، که در زیر نام برخی از مهم‌ترین آن‌ها ذکر می‌گردد:

مرتضی مطهری

محمد جواد باهنر

محمد واعظ‌زاده خراسان

محمدتقی مصباح یزدی

امام موسی صدر

عبدالله جوادی آملی

سید محمد حسینی بهشتی

حسن حسن‌زاده آملی

محمود امجد

سید عبدالله فاطمی نیا

عزیزالله خوشوقت

غلامحسین ابراهیمی دینانی

سید عزالدین حسینی زنجانی

محمد رضا نکونام

سید جلال‌الدین آشتیانی

علی قدوسی

محمد مفتاح

ابراهیم امینی

حسین علی منتظری

سید محمد حسین حسینی طهرانی

علی پهلوانی تهرانی

ناصر مکارم شیرازی

حسین نوری همدانی

سید علی خامنه‌ای

سید محمد خامنه‌ای

سید حسین نصر

حسین مظاهری

علی اصغر کرباسچیان

محمدرضا مهدوی کنی

محسن مجتهد شبستری

سید محمد ضیاءآبادی

مجتبی تهرانی

همچنین بسیاری از روشنفکران در جلسات مباحثه از ایشان بهره گرفتند. از آن جمله می توان به جلسات مباحثه با هانری کربن اشاره کرد، که دکتر سید حسین نصر و بسیاری دیگر در آن حضور داشتند یا جلساتی که در تهران برگزار می شد و افرادی نظیر داریوش شایگان در آن حاضر بودند.

کلمات قصار از علامه طباطبائی رحمه الله
علیه

ما از کتاب خدا چه می فهمیم؟

* ما کاری مهمتر از خودسازی نداریم .

* اعتبارات دنیا نوعاً وفا نمی کند و اگر هم وفا بکند تا دم قبر است و بعد از آن ماییم و ابد ما!

* ما ابد در پیش داریم، هستیم که هستیم.

* ما سرانجام هر چه را در خارج می جستیم، در درون یافتیم :

بیرون ز تو نیست هر چه در عالم

هست از خود بطلب هر آنچه خواهی،

که تویی

* گاهی یک عصبانیت، بیست سال انسان را به عقب می اندازد.

* درس اخلاق، گفتنی نیست، عمل کردنی است.

* علامه در اواخر عمر مبارکشان دائم می فرمودند: **توجه! توجه!** و این، فراتر از «تذکر» و «تفکر» است.

* بشر باید عاطفه داشته باشد کسی که عاطفه ندارد، یعنی با قرآن دوست نیست!

* رفتن به قبرستان در سازندگی انسان مؤثر است.

* علامه حسن زاده آملی می فرمایند: وقتی به حضور شریف علامه طباطبائی، تشریف حاصل کرده بودم و عرض حاجت نمودم، فرمود: «دعای سحر حضرت امام باقر علیه السلام را فراموش مکن که در آن جمال و جلال و عظمت و نور و رحمت و علم و شرف است و حرفی از حور و غلمان نیست. اگر بهشت شیرین است، بهشت آفرین شیرین تر است»

* حالات مرحوم علامه در اواخر عمر، دگرگون شده و مراقبه ایشان شدید شده بود و مانند استاد خود، مرحوم آیه الله قاضی این بیت حافظ را می خواندند و یک ساعت می گریستند :

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی
روی؟ ره ز که پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟

شادی روح علمای اسلام صلوات